

# بازنشستگان

## یک پیروزی برای طبقه کارگر در ایران

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

بلاخره تکلیف افزایش حقوق بازنشستگان روشن شد و بیست و هفتم مردادماه، سرپرست وزارت کار، مصوبه شورای عالی کار را ابلاغ کرد. بر همین اساس، بازنشستگان سایر سطوح در شهریورماه مشمول افزایش ۳۸ درصدی به اضافه مبلغ ثابت ۵۱۵ هزار و ۱۶۶ تومان می‌شوند و حقوق خود را بر این اساس دریافت می‌کنند.

بر کسی پوشیده نیست که حتی همین سطح ناچیز از افزایش حقوق که در مقایسه با سطح سه رقمی تورم در ایران کفاف یک زندگی عادی را هم نمیکند، اما بدون پشتکار و همبستگی بازنشستگان و حامیان آنها در اعتصابات و اعتراضات ماههای اخیر قابل تصویب نبود. آنچه این پیروزی را در گام اول خود تصویب کرد و به حاکمیت تحمیل کرده است، یک مبارزه طبقاتی و پیگیر و همه جانبه در تمام سطوح جامعه حول مسئله بازنشستگی بوده است. ... صفحه ۲

## پیرامون شرکت

### رئیسیتی در مجمع

## عمومی سازمان ملل

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

زمنه‌های شرکت ابراهیم رئیسیتی در مجمع عمومی سازمان ملل در ماه سپتامبر در نیویورک به گوش می‌رسد. علیرغم اینکه رئیسیتی یکی از جلادان دهه خونین ۶۰ است و یکی از کلیدی‌ترین مهره‌های حاکمیت آدمکش اسلامی از روز تاسیس آن بوده است، مستقل از اینکه چنین شخصیتی نماد یک توحش افسارگسیخته و چرکین بورژوازی ایران در دستگاه قدرت دولتی علیه شهروندان آزادی‌خواه است، اما به هیچ‌وجه جای تعجب ندارد که به کلپ سازمان ملل، به مجمع مخرب‌ترین دولت‌هایی که امنیت میلیاردها شهروند کره خاکی را سلب کرده‌اند، نپیوندد.

به طور واقعی شرکت رئیسیتی در اجلاس سازمان ملل می‌تواند به امر پرکردن یک صندلی دیگر این اجلاس از سردمداران و دولت‌مردان مرتجع جهان معاصر ما کمک کند.

اجلاس سازمان ملل در واقع، کلپ دولت‌های مرتجعی است که امنیت، رفاه و خوشبختی را از شهروندان خود دریغ کرده‌اند. نماینده کدام کشور در این اجلاس را سراغ دارید که به فساد، رشوه‌خواری، جنگ‌افروزی و جنایت علیه بشریت آلوده نباشد؟! ... صفحه ۲

## اسرای آزاد شده در آغوش

### گرم مردم!



مظفر محمدی

اعتصاب، تظاهرات و تجمعات گسترده و سراسری معلمان و بازنشستگان در ماه‌های اخیر با تعرض گسترده رژیم به این بخش از زحمتکشان جامعه مواجه شده است. در جریان اعتراضات سراسری معلمان و بازنشستگان ده‌ها نفر بازداشت شدند. هنوز تعدادی از آن‌ها در زندان بسر می‌برند. زندان شنیع‌ترین ابزار توهین و تعرض به حرمت انسان است. زندان زبونانه‌ترین پاسخ سرکوبگران به مبارزات توده‌های کارگر و زحمتکش است. ... صفحه ۳

دو مطلب از مظفر محمدی

## کارگر صاحب جامعه یا برده و قربانی سرمایه

### خدای دهه شصت

### خدای امروز هم نیست

اطلاعیه‌های حزب حکمتیست (خط رسمی)

مردم آزادیخواه توحش علیه «بهاییان» را تحمل نمی‌کنند

استقبال پرشور از آزادی معلمان

آزادی برابری حکومت کارگری

کردن این اوباش به میدان آمده‌اند. از منظر مردم آزادی‌خواه ایران، جمهوری اسلامی باید با یک انقلاب توده‌ای و کارگری برود. از منظر «اجلاس سازمان ملل»، جمهوری اسلامی باید همانند حقیقت به همین سادگی و روشنی است.

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی) در کنار مردم آزادی‌خواه و افکار مترقی، اجازه نخواهد داد که خارج کشور به جولانگاه سران و سردمداران جمهوری اسلامی تبدیل شود.

### تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲۳ اوت ۲۰۲۲

پیروزی بازنشستگان در تحمیل ۳۸ درصدی افزایش حقوقشان در کنار شرایط انفجاری که در تمام سطوح جامعه برای تقسیم ثروت و کسب رفاه عمومی در جریان است نوک کوه یخی است که برای رفاه و خوشبختی امروز در برابر کل بورژوازی ایران و حاکمیت آن در قدرت ایستاده است. با این نیروی بلقوه و بلفعل طبقه کارگر در ایران نمیتوانند مقابله کنند. در برابر طبقه کارگری که روز به روز راه مبارزه طبقاتی خود را و آلترناتیو حاکمیت شورایی خود را هموارتر میکنند، انگشت به دهان مانده اند و هر جا متحدانه زور زده ایم مجبور به عقب نشینی شده اند. مبارزه بازنشستگان در کنار مبارزات سایر بخشهای طبقه کارگر، از مبارزات زنان نستوه و برابری طلب علیه آپارتاید جنسی حاکمیت تا نفت و معادن تا هفت تپه، هپکو، فولاد و معلمان برای معیشت و رفاه، سیمای امروز تحولات سیاسی در ایران است.

پیروزی اخیر بازنشستگان و مبارزات آنان در طی یکی دو سال اخیر به خوبی نمایان میکند که قدرت طبقه کارگر در اتحاد اوست؛ که تنها زمانی حق و قانون به تصویب میرسد که این طبقه قدرت متشکل خود را به حاکمان نشان دهد. بی تردید پیروزی امروز بازنشستگان، موقعیت آنها، اتحاد و همبستگی آنها و اعتماد بنفس آنها را بهبود میبخشد. بی شک آنها بر این سکو می ایستند و موفقیت خود را جشن میگیرند و نیروی متحد خود را برای کسب پیروزی های بزرگتر به میدان می آورند. گام بعدی به چفت شدن این اتحاد و این آگاهی طبقاتی با سایر بخشهای طبقه کارگر گره خورده است. زمین لرزه ای که میتواند تمام دست اندکاران بحران معیشت و رفاه در ایران را همراه با حاکمیت شان واژگون کند.

کدام دولتمدار در این کلپو «جهان آزاد» روزی روزگاری در فکر آسایش، صلح و شادکامی شهروندان خود بوده است؟ کدام سیاستمدار در این باشگاه مجلل حاکمان جهان راهی برای خاتمه دادن به مصائبی که توسط نظام بردگی مزدی گریبانگیر بشریت شده است، پیشنهاد کرده است به جز کش دادن به وضع موجود و مهندسی فلاکت اجتماعی؟!

مگر همین کلپو و اعضای آن نبودند که طالبان چرکین، «بی‌اعتبار» و «طردشده» را روی کرسی «حکومت» در افغانستان نشانندند و در صدد اعطای یک کرسی به این جانوران در اجلاس خود شدند؟! جمهوری اسلامی در نزد این کلپو ارتجاعی، چی از طالبان کمتر دارد؟!

ابراهیم رئیسی از اعضای «هیئت مرگ» در دهه ۶۰ و امروز در جامه رسمی یک «حکومت»، چی از طالبان در لباس «دولت» و «کابینه» و «هیئت های نمایندگی» کمتر دارد؟! حاکمیت اسلامی در ایران و مهره‌های آن، هم قدمت و تجربه بیشتری در سرکوب مردم و انقلاب ۵۷ دارند، هم در مقایسه با طالبان و داعش و القاعده، در جنایت هر روزه علیه مردم گوی سبقت را ربوده‌اند.

فریب و ریاکاری و اعلام‌های پی در پی سازمان ملل و مراجع بین‌المللی درباره رسمیت دادن به چنین اجلاسی با چنین اعضای منفوری برای «حفظ امنیت» جهان، صحنه‌های مشمئزکننده‌ای است که از جانب شهروندان جهان هر روز بیش از پیش پس زده می‌شود. مردم در سراسر جهان، سالن ماشای این سیرک کثیف و مخوف دولت‌های مرتجع جهانی و منطقه‌ای را ترک می‌کنند و در تلاشند که با نیروی خود از پایین، مشکل بی‌سرنوشتی امروز جهان را حل کنند.

اجلاس سازمان ملل با شرکت ابراهیم رئیسی‌هایی از جنس طالبان در کنار مخرب‌ترین نمایندگان قدرت‌های جهانی از آمریکا و انگلستان تا اروپا و روسیه و چین تکمیل می‌شود. مبارک‌شان باد! اما نه مردم ایران و نه مردم جهان چنین دهن‌کجی را بیش از این نمی‌پذیرند. اجلاس سازمان ملل با رئیسی‌ها و بدون رئیسی‌ها قادر نیست پاسخ معضلات اصلی جهان امروز را بدهد. این امر طبقه کارگر و جهانیانی است که از ایران تا آمریکا، از اقیانوسیه تا اروپا به حاکمان امروز فرمان ایست داده‌اند.

طبقه کارگر و مردم ایران مدت‌هاست که با مبارزات گسترده خود بر سر رفاه و آزادی و معیشت، دیپلماسی پشت‌پرده دول‌غربی و اجلاس سازمان ملل آن با جمهوری اسلامی را افشا کرده‌اند. مردم مدت‌هاست که حقایق پشت عروج طالبان‌ها و «تعامل» با جمهوری اسلامی‌ها را می‌دانند و برای جازو

### بازنشستگان....

تومان از ثروت طبقه کارگر در فولاد مبارکه را صرف ساختن مجسمه قاسم سلیمانی کردند در حالیکه پارسال یکی از کارگران فولاد به خاطر ۲۰ میلیون وام خودکشی کرد.

پیروزی بازنشستگان در تحمیل ۳۸ درصدی افزایش حقوقشان در کنار شرایط انفجاری که در تمام سطوح جامعه برای تقسیم ثروت و کسب رفاه عمومی در جریان است نوک کوه یخی است که برای رفاه و خوشبختی امروز در برابر کل بورژوازی ایران و حاکمیت آن در قدرت ایستاده است. با این نیروی بلقوه و بلفعل طبقه کارگر در ایران نمیتوانند مقابله کنند. در برابر طبقه کارگری که روز به روز راه مبارزه طبقاتی خود را و آلترناتیو حاکمیت شورایی خود را هموارتر میکنند، انگشت به دهان مانده اند و هر جا متحدانه زور زده ایم مجبور به عقب نشینی شده اند. مبارزه بازنشستگان در کنار مبارزات سایر بخشهای طبقه کارگر، از مبارزات زنان نستوه و برابری طلب علیه آپارتاید جنسی حاکمیت تا نفت و معادن تا هفت تپه، هپکو، فولاد و معلمان برای معیشت و رفاه، سیمای امروز تحولات سیاسی در ایران است. پیروزی اخیر بازنشستگان و مبارزات آنان در طی یکی دو سال اخیر به خوبی نمایان میکند که قدرت طبقه کارگر در اتحاد اوست؛ که تنها زمانی حق و قانون به تصویب میرسد که این طبقه قدرت متشکل خود را به حاکمان نشان دهد. بی تردید پیروزی امروز بازنشستگان، موقعیت آنها، اتحاد و همبستگی آنها و اعتماد بنفس آنها را بهبود میبخشد. بی شک آنها بر این سکو می ایستند و موفقیت خود را جشن میگیرند و نیروی متحد خود را برای کسب پیروزی های بزرگتر به میدان می آورند. گام بعدی به چفت شدن این اتحاد و این آگاهی طبقاتی با سایر بخشهای طبقه کارگر گره خورده است. زمین لرزه ای که میتواند تمام دست اندکاران بحران معیشت و رفاه در ایران را همراه با حاکمیت شان واژگون کند.

### حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲۴ اوت ۲۰۲۲

بازنشستگان و قدرت اتحادشان ثابت کرد که حق و حقوق زمانی به نفع طبقه کارگر و مردم محروم تغییر میکند و معنی می یابد که کفه ترازو را در یک مبارزه طبقاتی علیه دولت و ارگانهای حاکمیت سنگین کرد و قدرت توده ای و اتحاد بر سر منافع طبقاتی خود را به طبقه حاکم تحمیل کرد. تلاش و همبستگی بازنشستگان و مبارزه پیگیر آنها در این مدت قابل تقدیر است. این مهمترین عاملی است که افسار دولت و مجلس و تمام نهادهای ریز و درشت حاکمیت را پیرامون افزایش حقوق بازنشستگان کشیده است و این پیروزی را تا همین الان باید به بازنشستگان و طبقه کارگر ایران تبریک گفت.

اما این تازه شروع کار است و تنها فتح سنگری از سنگرهای مبارزه طبقاتی است. شرایط امروز در ایران گویای این حقیقت است که جامعه کارگری از شرکت نفت و پتروشیمی ها تا هفت تپه، فولاد، معادن و معلمان و بازنشستگان وارد فزای از مبارزه همه جانبه و سراسری برای یک زندگی شایسته انسان در قرن بیست و یکم شده اند که نه قابل سرکوب است و نه قابل عقب نشینی! در هر کوی و برزن آن جامعه پرچم مبارزه برای رفاه و آزادی و امنیت به اهتزاز درآمده است. همه میدانند که ثروت در جامعه ایران به وفور یافت میشود و در جیب چه نظامی است و چه ارقام نجومی از مال و ثروت را این حاکمیت به جیب زده است. تنها یک فقره از این ثروت چند روز پیش در «اختلاس» ۹۲ هزار میلیاردی فولاد مبارکه اصفهان افشا شد که زمین را زیر پای جمهوری اسلامی لرزاند؛ مبلغی که معادل ریشه کن کردن پدیده زشت گرسنگی در ایران است؛ معادل نجات میلیونها کودک از فقر مطلق و سوتغذیه است؛ خامنه ای وارد ماجرا شد و التماس کرد که «موضوع را کش ندهید»، ابراهیم رئیسی دوان دوان جلو آمد و اعلام کرد که: «نظام جمهوری اسلامی پاک است!» اما کیست که نداند این حاکمیت در گرو گرفتن نان و رفاه و معیشت مردم رکورد زده است. اینها ۹۰۰ میلیون

زندان و احکام پوچ و اتهامات سخیف دادگاه‌های اسلامی عکس العمل شرم آور در مقابل توده‌های بی‌باخته و نشان ترس و وحشت از مردم آزادیخواه و حق طلب است. مزدوران رژیم شبانه به خانه‌های فعالین کارگری و معلمان و بازنشستگان و نمایندگانشان یورش می‌برند، آن‌ها را در مقابل چشمان اعضای خانواده و از جمله کودکان مورد اهانت و آزار قرار می‌دهند، وسایل ارتباط و کارشان را ضبط می‌کنند و تهدیدکنان آن‌ها را با خود می‌برند و در سلول‌های انفرادی نگه می‌دارند. حتی برای مدت‌ها آن‌ها را از ملاقات با خانواده و دوستان و همکاران منع می‌کنند. دستگاه اطلاعات رژیم اعضای خانواده دستگیر شدگان را تهدید می‌کنند که مبدا اقدام و عمل شنیع بازداشت و توحش‌شان را رسانه‌ای کنند.

جالب توجه است که این اعمال وحشیانه و سرکوبگرانه سال‌ها و ماه‌ها و بارها تکرار می‌شود و برای حاکمان سرکوبگر نتیجه‌ی معکوس داشته است. تنها یک نمونه شاهد این واقعیت است که عیدی یکی از رهبران جنبش معلمان سال‌هاست در زندان نگه داشته شده در حالیکه جنبش معلمان با همان قدرت و صلابت ادامه داشته است. یعنی در واقع بازداشت و زندانی کردن فعالین کارگری و اجتماعی نوعی گروانگیری و انتقامجویی زبوانه از مبارزات حق طلبانه و فعالین و مبارزین این جنبش‌ها است. کار و اقدامی آزار دهنده اما عبث و بیهوده از جانب حکامی که جز توحش خاصیت و پاسخ دیگری ندارد. در روزهای اخیر و در میان بازداشت شدگان کردستان از شهر مریوان، چهار نفر به اسامی اسکندر لطفی، شعبان محمدی، جبار دوستی و مسعود نیکخواه آزاد شدند. صحنه‌ی استقبال مردم در شهرهای سنندج و مریوان از این معلمان مبارز، با شکوه و پاسخی دندان‌شکن به نظام ضد کارگر و ضد مردم بود. مردم آزادیخواه و معلمان و بازنشستگان شهرهای سنندج و مریوان دوستان و هم‌سروشان خود را در آغوش گرفته و مورد ستایش و احترام قرار دادند. آزادی معلمان حاصل اعتراضات وسیع معلمان و بویژه شورای هماهنگی سراسری کانون‌های معلمان و بازنشستگان است. طبق آخرین خبرها دولت سرمایه‌داران به افزایش ۲۸ درصدی حقوق بازنشستگان تن داده است و این یک پیروزی برای این بخش زحمتکش جامعه در نتیجه‌ی اعتراضات و مبارزات پیگیر و مصمم‌شان و بویژه حاصل اتحاد و سازمان و رهبری سراسری است. اتحاد معلمان و بازنشستگان در تشکل و رهبری سراسری و ایستادگی پیگیرانه در مقابل دولت سرمایه‌داران و کسب پیروزی‌های معین این بخش زحمتکش جامعه، الگویی برای دیگر بخش‌های معترض و حق طلب جامعه است. طبقه کارگر هم الگوی درخشان اتحاد سراسری کارگران هفت تپه در مجامع عمومی‌شان را در پرورده دارد. الگویی برای دیگر بخش‌ها و کل طبقه کارگر.

رژیم ضد کارگر و ضد معلم و بازنشسته و ضد زن با تهدید و سرکوب و بازداشت و زندانی کردن فعالین کارگری و اجتماعی اعتراض و مبارزه‌شان را پاسخ می‌دهد. در مقابل، اعتصابیون و تشکل‌هایشان با حمایت و خواست فوری بازداشت شدگان به سیاست سرکوب دشمن پاسخ داده و می‌دهند. دولتمردان مفتخور و فاسد و دزد سفره‌ی مردم، فکر می‌کنند با تهدید و بازداشت و زندانی کردن رهبران و فعالین جنبش‌های اجتماعی می‌توانند صدای اعتراض و مبارزه‌شان را خفه کنند. اما ایستادگی و پافشاری معلمان و بازنشستگان در تداوم مبارزه تا پیروزی و برای آزاد کردن همکارانشان، این شکرده حکام سرکوبگر را رسوا کرده است. استقبال مردم سنندج و مریوان از معلمان این دوستان زحمتکش مردم، تنها ابراز شادمانی نیست، بلکه نشان حمایت آشکار و همبستگی مبارزاتی و همدلی اقشار گوناگون اجتماعی است. اتحاد و همبستگی معلمان و بازنشستگان در تشکل‌های محلی و سراسری و حمایت مردم از آن‌ها چه در جریان اعتصابات و مبارزات پیگیرانه و چه در مقابل سرکوب و بازداشت‌ها، یک رکن اساسی در تداوم و ایستادگی اعتراضات است. رژیم سرکوبگر و حامی سرمایه و سود، فکر می‌کند با پاسخ ندادن یا تهدید و بازداشت‌ها مانع تداوم مبارزات است. اما هر بار در مقابل ایستادگی معترضین و مطالبه‌گران، مجبور به عقب‌نشینی می‌شود. معلمان و بازنشستگان همزمان با ادامه پیگیرانه مطالبات، در مقابل سرکوب و بازداشت همکاران خود ساکت ننشسته و تسلیم نشده‌اند.

معلمان و بازنشستگان آگاهند که اعتراض و ایستادگی‌شان فقط هنگام تعقیب و بازداشت همکاران نیست، بلکه تداوم مبارزه و اقدامات علیه پرورنده سازی و کش دادن تعقیب‌ها و احکام مبتنی بر اتهامات سخیف هم هست. دولت سرکوبگر بعد از آزادی بازداشت شدگان با احضارهای مکرر و احکام سرکوبگرانه می‌خواهد نیروی فعال جنبش‌های اجتماعی را فرسوده و یا به زعم خود ساکت و خانه‌نشین کند. حمایت از همکاران بازداشتی از ابتدا تا به آخر و تا بستن پرونده‌های ساختگی و پس گرفتن اتهامات واهی می‌تواند این شکرده ضد مردمی رژیم را خنثی و بی‌اثر کند. آزادی زندانیان کارگر، معلم، بازنشسته و دیگر زندانیان سیاسی بی‌قید و شرط است. خامه دادن به تعیین ضمانت‌های سنگین، بازنگه داشتن پرونده‌های اتهام و پاپوشدوزی و بالاخره احکام مجرمانه‌ی زندان و جریمه یک خواست اساسی جامعه است. خواست جامعه و مردم، آزادی بی‌قید و شرط زندانیان سیاسی و فعالین حقوق کارگران و معلمان و بازنشستگان و دیگر اقشار اجتماعی است. استقبال مردم از آزادی معلمان مریوان یک نمونه‌ی آشکار خواست آزادی بی‌قید و شرط و خامه دادن به تعقیب و آزار فعالین کارگری و اجتماعی است. اتحاد و تشکل سراسری در کنار حمایت و همبستگی مردمی، تضمین‌کننده‌ی آزادی اعتصاب و اعتراض و

تجمع و تشکل کارگران، معلمان، بازنشستگان و دیگر بخش‌های جامعه است. و ضامن پیروزی مبارزات و رسیدن به حق و حقوق و مطالبات رفاهی و سیاسی و اجتماعی است.

جامعه ایران امروز به دو قطب اقلیت طبقه حاکمه‌ی فاسد، دزد، استثمارگر و سرکوبگر از طرفی و قطب طبقات و اقشار میلیونی جامعه از طرف دیگر است. در این زورآزمایی یکی به ابزار تهدید و توحش و سرکوب و زندان متکی است و دیگری بر اتحاد و تشکل و همبستگی سراسری. یکی انگشت به ماشه و مسلح پشت خاکریزهایش قرار دارد و دیگری به اعتصاب و اعتراض و تجمع و تظاهرات و قیام میلیونی تکیه دارد. زمانی که رژیمی حتی برای مقابله با روستی افتاده‌ی دختران و زنان آزادیخواه و برابری طلب مسلح و انگشت به ماشه ایستاده است، خود نشان ترس و وحشت مرگبار حکام حافظ سرمایه و سود است. نشانه گرفتن لوله‌های تفنگ رو به مردم در اعتراضات و مبارزات آزادیخواهانه و رفاه طلبانه به ظاهر ترسناک است. اما در حقیقت این صاحبان تفنگ و تهدید و زور است که خفت و خواری و وحشت و زبونی‌شان را به نمایش می‌گذارند. سلاح زنگ زده‌ی سرکوب در مقابل قدرت اتحاد و سازمان و تصمیم‌گیری جمعی توده‌های کارگر و زحمتکش و معلم و بازنشسته و زنان و جوانان، ابزاری به شدت رسوا، شنیع و انتقامجویانه است. خاکریزهای دشمن در مقابل جنبش‌های طبقاتی و اجتماعی یکی پس از دیگری فرو می‌ریزد. این روند پیشروانه قابل برگشت نیست.

## استقبال پر شور از معلمان

با آزادی تعدادی از معلمان زندانی، فضایی از شور و شوق و استقبال در بیشتر شهرهای کردستان موج زد. روز شنبه ۲۹ مرداد شعبان محمدی و مسعود نیکخواه از اعضای هیئت مدیره انجمن صنفی معلمان کردستان - مریوان و روز ۲۶ مرداد اسکندر لطفی سخنگوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران با قرار وثیقه‌های دو میلیارد تومانی از زندان آزاد شدند.

در شهرهای سنندج و مریوان جمعهای بسیار کثیری از مردم و فعالین اجتماعی و کارگری با شور و شوق به پیشواز معلمان آزاد شده رفتند و مراسمات بی نظیری در استقبال از آنها به نمایش گذاشتند. بی‌گمان این استقبال پر شور گوشه‌ایی از حرکت بزرگ و سراسری‌تر در ایران و در گوشه و کنار شهرهای کوچک و بزرگ است، که در تقابل با موج سرکوب شکل گرفته است. مردم رهبران در بند خود را در پی هر اسارت و آزاد شدنشان ارج می‌نهند و با حرکت اجتماعی و پشتیبانی از آنها قدرتمندتر می‌کنند. مردم آزادیخواه در جواب به ایجاد فضای ارباب متحذانه در کنار رهبران کارگری، معلمان و فعالین و شخصیت‌های خود خواهند ایستاد و صفی از اتحاد و قدرت متحد را به نمایش می‌گذارند. استقبال پر شور مردم آزادیخواه در شهرهای سنندج و مریوان از معلمین آزاد شده، تنها گوشه‌ای از احساس همسروشتی و اتحاد صف محرومان جامعه است که در گوشه و کنار این مملکت هر روز از جایی جوانه می‌زند و پیام اتحاد و همبستگی مردم آزادیخواه را به هر کوی و برزنی میرسد.

علاوه بر مردم آزادیخواه در شهرهای کردستان، بسیاری از فعالین کارگری، معلم و بازنشسته و تشکلهای آنها از شهرهای مختلف ایران آزادی معلمین را شادباش گفتند و در این مراسم همسروشتی شرکت داشتند. این ویژگی یکی از شاخصهای برجسته مبارزه و اعتراض طبقه کارگر و بخش محروم جامعه ایران است.

تجمعات امروز در شهرهای کردستان و در حمایت از معلمین آزاد شده ادامه اعتراضات وسیع این دوره معلمان در سراسر ایران برای حقوق حقه خود و علیه زندان و دستگیری‌ها و ادامه تجمعات کارگران و بازنشستگان و... علیه فقر و بی حقوقی و برای دنیای مرفه و آزاد است. بی تردید باید به تجمعات و اعلام عملی حمایتها ادامه داد، باید صفوف خود را از مریوان و سنندج تا تهران و شیراز، از مشهد و اصفهان تا اهواز و شوش و همه شهرهای بزرگ و کوچک متحد کرد و همه زندانیان سیاسی را آزاد کرد. هنوز اسماعیل عبدی، جعفر ابراهیمی، محمد حبیبی، هاشم خواستار، رسول بدایق و... در زندان هستند. باید یکبار برای همیشه سیاست «من زندانی می‌کنم و تو آزاد کن» را سد کرد. باید به این دور باطل و سرکوب پایان داد. حرکت متحذانه و مستحکم مردم آزادیخواه در استقبال از معلمان با وجود فضای ارباب شدید، قدرت و ضرب شست مردم متحد را به رخ رژیم کشید. باید چنین تحركات قدرتمندی را برای جلوگیری از بازداشت و زندانی کردن هر فعال اجتماعی، کارگری، فرهنگی و... به حرکت در آورد.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی) ضمن شادباش گفتن به معلمان آزاد شده و تبریک به خانواده‌های آنان و به همه معلمان در ایران، خود را در شادی آنها شریک میدانند. زنده باد مردم آزادیخواه و برابری طلب در مبارزه برای رهایی.



## خدای دهه شصت خدای امروز هم نیست

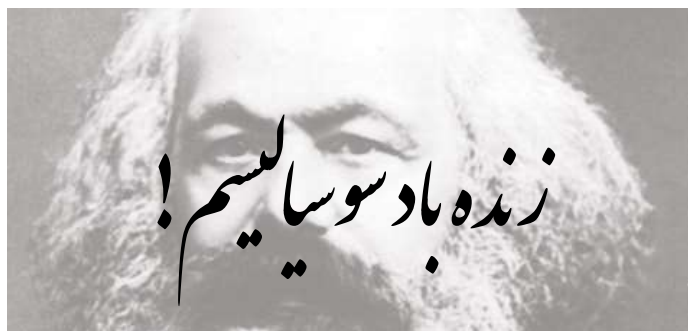
مظفر محمدی

خامنه ای گفته است که خدای دهه شصت همان خدای امروز هم هست. دو نسل امروز جامعه ایران خدای دهه شصت را ندیدند. خدایان دهه شصت خمینی و لاجوردی ها و خلخالی ها بودند. اما نسل کشی خدایان دهه شصت دهن به دهن و به شهادت اسناد و تصاویر و شاهدان آن دوره و خانواده ها و دوستان و مادران خاوران و گورهای دستجمعی بی نام و نشان در مقابل چشمان مردم امروز ایران قرار گرفته است. از آن زمان تا کنون پرونده ی خونین و سیاه خدایان دهه شصت و در راس همه خدای اعظم، خمینی، باز است.

کم تر دیکتاتوری در جهان مثل خامنه ای به جنایات و نسل کشی اسلاف خود افتخار کرده و می کند. اگر هیتلر و موسولینی امروز زنده بودند، در دادگاه مردمی اظهار پشیمانی و سرافکنندگی می کردند. اگر خامنه ای آرزوی خدایان دهه شصت را به گور نبرد، شک نکند که انقلاب و دادگاه مردمی او را پشیمان خواهد کرد.

اعتراف خامنه ای به این که جنایات خدایان دهه شصت را هنوز و امروز هم نمایندگی می کند، اعترافی تکان دهنده است. خدایان امروز از خدای اعظم خامنه ای تا سران بیت رهبری سپاه و وزارت اطلاعات و قضات و نمایندگان مجلس اسلامی پشت خاکریز آخر و دست به ماشه قرار گرفته اند. این نشان می دهد که تهدید خامنه ای یک هذیان و یاوه گوئی از سر استیصال بیش نیست. چرا که مردمان امروز مردمان دهه شصت نیستند. اگر آن زمان هر جوانی را که ریش نداشت در خیابان ها شکار و بلافاصله تیرباران می کردند، امروز فرزندان خلف خدای دهه شصت، از پیچ و تاب موی سر یک دختر جوان کابوس طناب برگردن خود را می بینند. دهه ی امروز غول طبقه کارگر سر برآورده است. جنبش زنان رکن شریعت اسلامی را به لرزه افکنده است. مزد و حقوق بگیران معلم و بازنشسته و پرستار و گرسنگان محلات حاشیه شهرها بارها علیه خدایان امروز شوریده و زمین را زیر پای این مجرمان داغ کرده اند. خامنه ای، این خدای عاجز و مستاصل امروز، ادای اسلافش را در می آورد و به مزدورانش فرمان آتش به اختیار و دست به ماشه و مجوز سلاح و تیراندازی به مردم را صادر می کند. دیکتاتوری که پشت جوجه های مسلح اش مخفی است، از طرفی فرمان تعرض به زنان و دفاع از شریعت را می دهد و زمانی که کسی از ماشین ون گشت ارشاد به بیرون پرت و اعتراض و خشم مردم را می شنود، در لباس یک روبه عاجز و فریبکار غلط کردم اش را با نصیحت مزدورانش که نرم و ملایم باشید، توجیه و از زیر بار مسوولیت جرایمش شانه خالی می کند. انگار مردم فرامین مجرمانه دیروزش فراموش کرده اند.

آری، نه خدایان امروز خدایان دهه شصت هستند و نه مردمان ایران امروز همان مردمان دهه شصت. امروز جامعه ایران صحنه جدال عظیم میلیونی کارگران و زحمتکشان و گرسنگان با نظام حاکم سرمایه داران و مفسدین و دزد های نان سفره مردمی است که قصد به زیر کشیدنش را دارند. خامنه ای و اعوان و انصارش تاوان جرائم و جنایات خود و اسلافشان را خواهند داد. داستان خدایان حاکم امروز ایران مشابه حال و روز پینوشه و جنایتکاران نسل کشی یوگسلاوی است. مردم پیام خدای اعظم امروز را شنیدند و پاسخ این است که ما بر ویرانه های نظام تان پرچم سوسیالیسم و آزادی و برابری بر می افرازیم!



## مردم آزادیخواه توحش علیه «بهایان» را تحمل نمیکنند

اخیرا دادگاهی در سمنان به ریاست «قاضی قاسم عین الکمالی» رئیس شعبه اول دادگاه و بدستور وزارت اطلاعات، حکم مصادره اموال و املاک «بهایان» سمنان را صادر کرده است. شعبه ۵۴ دادگاه تجدید نظر تهران نیز رای بدوی دادگاه سمنان را تأیید کرده است. بر اساس این حکم اموال مردم منتسب به بهایی به نفع «ستاد اجرایی خمینی» مصادره میشود.

اخیرا فشار به «بهایان» از جانب جمهوری اسلامی افزایش یافته، تعداد زیادی از آنها احضار و حکم زندان گرفته اند، ۵۰ نفر نیز به بهانه «نقص پرونده» از شرکت در کنکور و ادامه تحصیل محروم شده اند. بعلاوه روز سه شنبه ۱۱ مرداد منازل تعدادی از خانواده های «بهایی» در روستای «روشنگو» از توابع ساری توسط جمهوری اسلامی تخریب و زمین های بعضی از اهالی هم مصادره شده است. باید اضافه کرد در مهر ماه ۱۳۹۹ نیز حکم مصادره زمین های ۲۷ خانوار کشاورز از بهایان در روستای «ایول» در استان مازندران صادر شد.

مستقل از اینکه جمهوری اسلامی در تمام تاریخ ننگین خود از حربه مذهب و ملیت در خدمت راه انداختن جنگهای صلیبی در میان مردم و تبدیل آنها به دشمن هم برای بقای خود استفاده کرده است، مستقل از اینکه جنگ علیه مردم منتسب به بهایی یکی از این حربه ها بوده، امروز توسل به این ابزار زنگ زده و فعال کردن آن علیه «بهایان»، بیان استیصال حاکمیت است. سیاست تفرقه اندازی میان مردم محروم و تلاش برای قرار دادن آنها در مقابل هم به قدمت عمر جمهوری اسلامی است. تلاش برای تفرقه در میان طبقه کارگر به اشکال مختلف، تلاش برای تکیه بر نفاق قومی و مذهبی و جنسیتی در جامعه ایران و به عنوان ابزاری در خدمت حاکمیت، از جانب طبقه کارگر و مردم آزادیخواه عقب رانده شده است. این حربه ها اکنون دیگر ابزارهای زنگ زده و به تاریخ سپرده شده هستند.

امروز صف مردم آزادیخواه، صف کارگران و محرومان جامعه حول تامین رفاه، آزادی و امنیت، کل حاکمیت را به مصادف طلبیده است. مردم ایران در این جدال هر روز بیش از گذشته در کنار هم و به عنوان همسرنوشت، هویت های کاذب مذهبی، قومی، جنسی، نژادی و نفاق افکنانه را کنار میزنند و در صفی واحد برای رهایی میجنگند.

تلاش حاکمیت برای راه انداختن جنگ صلیبی و عقب مانده علیه مردم منتسب به بهایی با هر توجیه و پرونده سازی ای نزد مردم ایران نه تنها محکوم که عمیقا مورد نفرت است. انتخاب «بهایان» و تحریک علیه آنها، تعرض از حلقه ضعیف جامعه و حمله به اقلیتی است که تاریحا نفاق افکنی علیه آنها و جنگ صلیبی راه انداختن با اتکا به باورهای مذهبی و قومی آسان بوده است. اگر حاکمیت با همه حربه های نفاق افکنانه و با اتکا به هر نوع تحریکات ارتجاعی و ضد انسانی علیه طبقه کارگر و مردم محروم علیه زنان و نسل جوان ناکام ماند، اگر تحریکات ضد مهاجرین افغانستانی به جایی نرسید، قطعاً جنایات علیه مردم محروم به نام بهایی هم سرنوشت بهتری نخواهد داشت.

مردم آزادیخواه ایران، زن و جوان متمدن این جامعه، این تعرض را جواب خواهند داد. مردم آزادیخواه ایران اجازه نمیدهند مشتت جنایتکار در لباس حاکم و قاضی بر مملکت، در همسایگی آنها خانه و کاشانه شهروندان این جامعه را به جرم اعتقادات مذهبی متفاوت ویران کنند و جنگهای صلیبی را علیه آنان راه بیندازند. مردم آزادیخواه اجازه نمیدهند به برادران و خواهران خود در سمنان و هر کجای مملکت با پرونده سازی های مشتمل کننده و افشا شده تحت نام «جاسوسی» تعرض شود و خانه و کاشانه و اموال آنها را مصادره کنند.

حزب حکمتیست (خط رسمی) مردم آزادیخواه ایران را علیه هر نوع تهدید و ارباب مردم منتسب به بهایی فرامیخواند. نباید اجازه داد چنین اعمال جنایتکارانه ای در هیچ شهر و محله و روستایی انجام گیرد. جمهوری اسلامی با این توحش تنها بر نفرت عمومی از خود می افزاید و روز مرگ خود را نزدیکتر میکند.

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۸ اوت ۲۰۲۲

# کارگر صاحب جامعه یا برده و قربانی سرمایه

مظفر محمدی

میدیای دولتی در کمال بیشرمی هر چند وقت یک بار گوشه ای از چهره شنیع ضد کارگری خود را نشان می دهد و آمارهایی از کشتار کارگران را منتشر می کند. طبق این آمارها، تنها در مرداد ماه امسای ۲۲ کارگر از حوادث کار جان خود را از دست داده اند. آمار کارگران کشته شده بر اثر حوادث کار در یک سال ۸۰۰ نفر اعلام شده است. همچنین و دردناک تر این است که در کم تر از سه ماه اخیر ده کارگر بخاطر مشکلات معیشتی، حقوق های معوقه و اخراج از کار خودکشی کرده اند.

توحش سرمایه علیه کارگران و نتایج مجرمانه آن، بسیار بیشتر از آمارهای دولتی است. مرگ و میر کارگران و خاتمه دادن به زندگی بخاطر فقر و نداری برای طبقه کارگر چند ده میلیون یک فاجعه و یک امر دهشتناک و غیر قابل قبول است.

طبقه کارگر صاحب جامعه است نه برده و قربانی سرمایه. در چند دهه اخیر چند ده هزار اعتصاب و اعتراض کارگری علیه حقوق های معوقه، قراردادهای موقت و اخراج ها و بیکاری ثبت شده است. با وجود این، به دلیل پراکندگی و مبارزات جدای از همدیگر بخش های مختلف طبقه کارگر، هنوز دولتمردان و سرمایه داران که اقتصاد و صنایع و معادن را در قبضه ی خود دارند، با طبقه کارگر همانند بردگان مزدی خود رفتار می کنند. بردگانی که حتی دستمزدهای کارشان را نمی پردازند، هر وقت خواستند اخراجشان می کنند و جمعیت عظیم بیکاران مطلق را پشت درب کارخانه ها نگه می دارند تا کارگر شاغل را هر طور که می خواهند مورد استثمار شدید و بیحقوقی قرار دهند. کارگران و خانواده هایشان را در گرسنگی نگه می دارند و بخشی از طبقه ما را به دست حوادث عدم ایمنی محیط کار می سپارند و می کشند و با تحمیل فقر مطلق به خانواده هایشان، به خودکشی می کشانند.

اما طبقه کارگر که چرخ های جامعه را می چرخاند و بدون کار آن ها جامعه می میرد، بردگان مزدی و بی اختیار سرمایه داران نیستند. سرمایه داران دولتی و خصوصی در پراکندگی و تقسیم کارگران به اجزای جدا از هم بعنوان این و آن صنف، هر بلایی می خواهند سر کارگر می آورند. مرگ هر یک کارگر چه در حوادث کار و چه خودکشی از گرسنگی خانواده اش، مصیبتی و ضربه ای به کل طبقه کارگر است.

کارگران اصناف جدا از همدیگر نیستند. کارگران یک طبقه واحد اجتماعی با سرنوشت و منفعت مشترک تشکیل می دهند. پیروزی هر بخش کارگری پیروزی کل طبقه و شکست یا قربانی شدن هر بخش کارگری شکست کل طبقه کارگر است. هر قلبی از میان کارگران بدلیل گرسنگی یا حوادث کار از طپش می افتد، زخمی است بر پیکر کل طبقه کارگر. کشتار وسیع کارگران در حوادث کار و نایمنی محیط کار و خودکشی کارگر تنها زمانی اتفاق می افتد که کارگر خود را تنها احساس کند. این وضعیت را سرمایه داران خوب می فهمند و تا زمانی که جرایم شان علیه هر تک کارگر یا هر بخش کارگری بی پاسخ ماند، از گرسنه و نیازمند نگه داشتن کارگران و حتی گرفتن جانشان ابایی ندارند.

اگر طبقه کارگر خود را یک طبقه واحد بداند و ببیند، هیچ کارفرما و سرمایه داری نمی تواند و جرات ندارد کارگران را در شرایط نایمنی محیط کار نگه دارد یا دستمزدش را ماه ها در گرو نگه دارد و یا هر وقت خواست کارگر را اخراج کند. کارگر منفرد و اجزای جدا از هم کارگران، ضعیف ترین حلقه برای ضربه زدن سرمایه داران به کارگران و تحمیل بیحقوقی و دستمزد ناچیز و معوقه و اسیر ناامنی شغلی و اسیر نایمنی محیط کار است.

زمانی که مارکس می گوید «کارگران جهان متحد شوید»، بدون شک به امکانپذیری این اتحاد باور داشت. اگر ما به این شعار طبقاتی باور داشته باشیم نباید سخت باشد که کارگران یک کشور بعنوان گردانی از کل طبقه کارگر جهان متحد شود.

باید ببینیم که سرمایه داران خطر اتحاد سراسری کارگران یک کشور و طبقه

کارگر بین المللی را باور دارند. به همین دلیل است، در ایران کارگران را به زن و مرد، ماهر و غیر ماهر، شاغل و بیکار، کرد و ترک و فارس و افغان و این و آن زبان و مذهب تقسیم می کنند. هر بخش صنایع و معادن و خدمات و غیره را خرد خرد و به اجزای جدا از هم تقسیم می کنند. بین بخش های مختلف کار دیوار می کشند و هر جزء و بخش را به پیمانکارهای مختلف می سپارند... ظاهراً قانون کار سراسری دارند، اما هر بخش کارگری و پیمانکاری قانون ضد کارگری خود را دارد، خود سرنوشت کارگر را تعیین می کند، هر وقت خواست کارگر را اخراج می کند، قرارداد موقت می بندد و کارگران را از هر گونه امتیاز حتی از محیط ایمن کار محروم می کند. خیل بیکاران را نگه می دارد تا بر کارگر شاغل فشار بیاورد که اگر طبق مقررات او کار نکند کارگر بیکار و کار ارزان تری برای جایگزینی پشت درب کارخانه ایستاده است.

کارگران به حکم موقعیت شان در تولید و خدمات یک طبقه واحدند، یک منفعت مشترک دارند، یک دشمن مشترک دارند. فهم این سخت نیست که چرا سرمایه داران و دولتمندان در مقابل کارگران صنایع کلیدی مثل نفت و پتروشیمی ها و فولاد و ماشین سازی ها... نسبت به دیگر بخش های صنایع و ساخت و ساز و خدمات و معادن، محافظه کارتر رفتار می کنند. چون از اتحاد این بخشهای کلیدی وحشت دارند.

اتحاد و تشکل و سازمان یابی کارگران صنایع بزرگ هم برای منفعت خود و هم حمایت و همبستگی با دیگر بخش های ضعیف تر، نقش کلیدی و نجاتبخش دارند. شرط این کار هم اتحاد و همفکری و تصمیم گیری جمعی در نوعی از تشکل است که همه کارگران یک بخش صنعتی را برای تصمیم گیری جمعی و دخالت دستجمعی متحد و دخیل می کند. این ظرف و ابزار قدرتمند اتحاد پایدار کارگری، مجمع عمومی منظم کارگران است. جنبش مجامع عمومی منظم کارگری زمانی همه ی بخش های گوناگون کار و صنایع و معادن و خدمات و غیره را در بر بگیرد، آن وقت ما شاهد زنجیره ای از گردان های مسلح و بهم پیوسته و مجهز به سلاح و ابزار مجمع عمومی منظم در لشکری به نام طبقه کارگر سراسر کشور هستیم.

زمانی اتحادیه های کارگری انقلابی این نقش را داشتند و صاحب اتحادیه و رهبری سراسری خود بودند. اما به تدریج این اتحادیه ها به سیاهی لشکر و ابزار احزاب بورژوازی برای کسب رای برای حاکمیت سرمایه داران تبدیل و از محتوا خالی شدند. اتحادیه ها چه در موقعیت قدرتمند گذشته و چه موقعیت ضعیف امروز دیگر با کار مزدی و استثمار کارگران و تقسیم جامعه به طبقه کارگر و سرمایه دار مخالفتی نداشته و ندارند. نظام سرمایه داری و کار مزدی را پذیرفتند و استثمار و بردگی مزدی کارگران را ازلی ابدی دانستند.

در مقابل، جنبش مجامع عمومی منظم کارگری تشکل پایه ی شوراهای کارگری است. شوراهایی که هم برای رفاه مبارزه می کند و هم برای کسب قدرت و حکومت شوراهای کارگران و مردم و در نهایت لغو کار مزدی. یعنی کارگر تولید کننده و گرداننده چرخ های جامعه، خود صاحب حاصل کار خود و صاحب جامعه است و هدف خود را ایجاد جامعه ای آزاد و برابر و فارغ از استثمار و تقسیم جامعه به دارا و ندار تعیین می کند... جامعه ای که همه کار می کنند و کارگران و کارکنان خود صاحب محصول کار خود هستند. جنبش مجامع عمومی منظم کارگری، سنگر اصلی شوراهای کارگری علیه استثمار و سرکوب و پایه گذاری نظام سوسیالیستی و جامعه ای آزاد و برابر است. نظامی که تضمین می کند هیچ کارگری در حوادث کار نمی میرد و هیچ کارگری از فقر و ناامیدی و تنهایی خودکشی نمی کند. ما جامعه ای می سازیم که با مرگ احتمالی غیر طبیعی یک کارگر و کارکن جامعه، زنگ ها به صدا در می آیند، جامعه عزادار و یک فاجعه انسانی اعلام می شود. جامعه ای که معیارش رفاه، امنیت، برابری، آزادی و خوشبختی تک تک شهروندان است.

مرگ ۸۰۰ کارگر در سال و در حوادث نایمنی محیط کار و خودکشی ده کارگر بخاطر فقر و گرسنگی تنها درکم تر از سه ماه، برای طبقه کارگر ایران یک فاجعه انسانی است. طبقه کارگر این جنایت حکام سرمایه را هر گز نمی بخشد. خاتمه دادن و الغای نظم سرمایه و سود و برقراری نظم اجتماعی آزاد و برابر و سوسیالیستی، پایان استثمار و فقر و مرگ و تحمیل مرگ تدریجی به مزدبگیران است. این تاوانی است که حاکمان و محافظان نظم سرمایه داری باید به خاطر جرائم و جنایاتشان بپردازند!



رهایی زن،  
رهایی جامعه است!

hekmatist.com

یک دنیای بهتر



برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: سهند حسینی

sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگه

سر دبیر: فواد عبداللهی

صدای آزادی، صدای برابری



نیانا

پخش برنامه های نیانا از کانال یک

برنامه های نیانا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش میشود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A

12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A

10721 افقی 22000

پخش برنامه های نیانا از رادیو طول موج کوتاه

برنامه های نیانا هر جمعه راس ساعت ۹ شب به وقت تهران از طریق رادیو طول موج کوتاه پخش می شود.

مشخصات موج کوتاه رادیو:

SW 5885

نیانا را در شبکه های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نیانا

radioneena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena